



تحول در دانشگاه:

استمرار روند یا رخداد شگفتی ساز؟

تک‌نگاشت دوم

نقدی بر رویکردهای اقتصادی و
مدیریتی اندازه‌گیری بهره‌وری
در آموزش عالی

احمد رضا روشن

بهمن ماه ۱۴۰۲



نقدی بر رویکردهای اقتصادی و مدیریتی اندازه‌گیری بهره‌وری در آموزش عالی

مقدمه

مجموعه حاضر چکیده مطالب دومین نشست از سلسله نشست‌های اقتصاد آموزش عالی کشور با عنوان «تحول در دانشگاه؛ استمرار روند یا رخداد شگفتی‌ساز؟» است. در این نشست که در ۱۰ بهمن ماه ۱۴۰۲ در پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، دکتر احمد رضا روشن به ارائه مطالب در باب نقدی بر رویکردهای اقتصادی و مدیریتی اندازه‌گیری بهره‌وری در آموزش عالی پرداخت و اشاره کرد که در هر سیستم تولیدی، بهره‌وری نمایانگر شاخصی برای تشخیص کارآمدی آن سیستم است. در جوامع امروزی بررسی بهره‌وری دانشگاه به عنوان مهم‌ترین سازمان تولید دانش، اهمیت روزافزون یافته است؛ چراکه بهبود بهره‌وری به عنوان امیدوارکننده‌ترین استراتژی برای فشار هزینه و راهکار اصلی برای مقرون به صرفه نگه داشتن تحصیلات دانشگاهی محسوب می‌شود. بهره‌وری ابزار اصلی برای جبران افزایش هزینه‌های عوامل تولید، مانند دستمزد نیروی کار یا قیمت مواد اولیه و تجهیزات است.

در این نگاشت می‌خوانیم:

- کم برآوری بهره‌وری در آموزش عالی
- نگاه متعارف و معمول به بهره‌وری در اقتصاد و مدیریت
- بهره‌وری در آموزش عالی
 - الف) بهره‌وری پژوهش
 - ب) ارتباط کیفیت و بهره‌وری آموزش عالی
 - ج) جمع‌بندی بهره‌وری در آموزش عالی
- نتیجه‌گیری

کم بر آوری بهره وری در آموزش عالی

رویکرد به مؤسسات آموزش عالی در حال تغییر بوده و جدا از شناخت نقش بارز آن‌ها در تولید سرمایه انسانی و خلق دانش، تحلیل انتقادی مربوط به بهره‌وری و کارایی آن‌ها اهمیت پیدا کرده است. به‌طور خاص، به دلیل تغییر روندهای جمعیتی و رقابت برای جذب دانشجو، و همچنین فشار فزاینده به دلیل محدودیت‌های مالی، مؤسسات آموزش عالی دولتی برای بهبود عملکرد خود دائماً تحت فشار هستند.

موضوع این گفتار «نقدی بر رویکردهای اقتصادی و مدیریتی اندازه‌گیری بهره‌وری در آموزش عالی» است. طبق لایحه بودجه ۱۴۰۲، بودجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، حدوداً ۴۲ هزار میلیارد تومان بود (به‌غیر از درآمدهای اختصاصی). مهم‌ترین معیارهای تخصیص بودجه به آموزش عالی عبارتند از: هزینه سرانه دانشجو، هزینه سرانه خدمات آموزشی، هزینه سرانه پژوهشی، برون‌دادهای آموزشی و برون‌دادهای پژوهشی. از سوی دیگر، در اقتصاد، معیار اصلی تخصیص بودجه، بهره‌وری است که هم درون‌دادهای دانشگاه و هم برون‌دادهای دانشگاه را در نظر می‌گیرد. به همین خاطر پرداختن به مسئله بهره‌وری اهمیت زیادی دارد. فرض اصلی ما در این گفتار این است که بهره‌وری یک معیار تخصیص بودجه است، ولی بهره‌وری آموزش عالی دچار کم‌برآوردی است، لذا اعتبارات عمومی به بخش آموزش عالی کمتر از استحقاق آن تخصیص می‌یابد. معمولاً وقتی از موضوع «آزادی» صحبت می‌کنیم منظور اعطای حق است، ولی وقتی از «عدالت» سخن می‌گوییم، مسئله استحقاق مطرح است. استحقاق کلمه‌ای ذهنی، ارزشی و هنجاری است که راجع به آن باید گفت‌وگو شود. در این گفتار تلاش می‌شود نشان دهیم که استحقاق وزارت علوم بسیار بیشتر از بودجه ۴۲ هزار میلیارد تومانی است و بسیاری از آثار مثبت اجتماعی آموزش عالی لحاظ نمی‌شود.

فی‌الواقع در تخصیص بودجه به وزارت عتف دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده‌ایم و لازم است تعریف موسّع‌تری از بهره‌وری آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد تا استحقاق واقعی آموزش عالی به آن اعطا شود.

نگاه متعارف و معمول به بهره‌وری در اقتصاد و مدیریت

اقتصاددانان بهره‌وری را نسبت خروجی به ورودی (یا نسبت برون‌داد به درون‌داد) تعریف می‌کنند. این تعریف بسیار ساده است و برای تدوین و تنظیم سیاست‌های اداره و ارتقای عملکرد یک سازمان کافی نیست. از سوی دیگر، مطالعات مدیریتی بیانگر آن است که می‌توان تعریف دقیق‌تری از بهره‌وری ارائه داد و آن اینکه بهره‌وری را مشتمل بر دو قسمت کارایی و اثربخشی بدانیم. این درحالی است که رویکرد مدیریتی به بهره‌وری هم از دقت لازم برخوردار نیست و هم اینکه بر ابهامات موجود می‌افزاید. حال سؤال این است که اگر این رویکرد، بهره‌وری را ترکیبی از کارایی و اثربخشی می‌داند، این ترکیب به چه صورت نمایان و ظاهر می‌شود؟ چرا نمی‌توان مفهوم تعالی را هم به کارایی و اثربخشی اضافه کرد و چرا تعالی سازمانی را نباید بخشی از بهره‌وری دانست؟ چگونه رویکرد تعالی و توجه به آینده و فراتر رفتن از وضع موجود در بهره‌وری نمایان می‌شود؟ آیا اساساً به لحاظ مفهومی می‌توان کارایی و اثربخشی را با هم ترکیب کرد؟ آیا واحد اندازه‌گیری کارایی و اثربخشی یکی است؟ برخی مطالعات مدیریتی، بهره‌وری را حاصل جمع کارایی و اثربخشی و برخی دیگر، بهره‌وری را حاصل ضرب کارایی و اثربخشی دانسته‌اند. آیا جمع یا ضرب دو مقوله با واحد

سنجش جداگانه، مقدور است؟ آیا مثلاً قد یک فرد (با واحد سنجش سانتی متر) را می توان با وزن یک فرد (با واحد سنجش کیلوگرم) جمع یا ضرب کرد؟ فرض کنید ۳ متر پارچه با ۲ کیلو پرتقال را به چه صورت می توان جمع زد، وقتی که واحد اندازه گیری دو موضوع و دو مورد، یکی نیست؟ در مجموع، گرچه تعریف اقتصادی بهره‌وری، مسئله را بیش از حد ساده انگاشته، تعاریف مدیریتی هم بر ابهامات افزوده است و دقت علمی لازم را ندارد.

بهره‌وری در آموزش عالی

اندازه‌گیری بهره‌وری در اکثر صنایع خدماتی دشوار است و قطعاً آموزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. در آموزش عالی، باید مراقب بود تا برداشت‌های ساده‌انگارانه از مفهوم بهره‌وری منجر به نتیجه‌گیری‌های نادرست نشود. مثلاً به‌طور گسترده‌ای فرض بر این است که اگر نسبت دانشجو به هیئت علمی کمتر باشد این به معنای کیفیت بالاتر فرایند آموزشی است، درحالی‌که ممکن است یک کلاس ۲۰ نفره به دلیل اینکه فضای گفت‌وگویی و بستر تعاملی بیشتری بین دانشجویان و استاد فراهم می‌آورد، چه‌بسا کیفیت برون‌دادهایش از یک کلاس ۵ نفره بیشتر باشد. بنابراین، آنچه مهم است اندازه‌گیری نتایج و برون‌دادهای در عمل است و نمی‌توان به پیش‌فرض‌های احتمالاً نادرست، اطمینان داشت.

پیچیدگی دیگر اینکه، درک و تعیین سهم دانشگاه‌ها در یادگیری و در کیفیت و بهره‌وری دارای ابهام است. به‌عنوان نمونه، پرسش‌هایی مانند میزان تأثیر عملکرد دانشگاه‌ها بر تجربه یادگیری دانشجویان همچنان پابرجاست. چراکه هیچ دانشگاهی قادر به تعیین دقیق تأثیر فعالیت‌های آموزشی و فرایندهای یاددهی خود بر ایجاد ظرفیت، بازده توانایی‌ها و برآمدهای دانشجویان به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت نیست. بهره‌وری دانشگاه یعنی تحقق مؤثر کارکردها و مأموریت‌های دانشگاه در فرایندی با بهترین استفاده از منابع. یکی از مهم‌ترین کارکردهای آموزش عالی تأثیر بر تجربه یادگیری دانشجویان است. یعنی موجودیتی به نام ذهن وارد دانشگاه می‌شود و طی فرایندی به نام یادگیری، اندوخته‌های دانشی کسب می‌کند. ولی ازجمله مشکلاتی که در زمینه بهره‌وری آموزش عالی وجود دارد چگونگی اندازه‌گیری میزان یادگیری و تأثیرش بر دنیای شغل و زندگی فرد پس از فارغ‌التحصیلی است. تمرکز بهره‌وری بایستی بر سنجش یادگیری باشد.

همچنین، مؤسسات آموزش عالی بنگاه‌های اقتصادی نیستند که هدف آن‌ها حداکثر سازی سود باشد^۲. به‌طور خاص، مؤسسات آموزش عالی دولتی (و حتی بسیاری از مؤسسات آموزش عالی خصوصی)، سازمان‌های غیرانتفاعی هستند. از این‌رو، نمی‌توانیم بهره‌وری آن‌ها را با استفاده از روش‌هایی که معمولاً برای ارزیابی شرکت‌های اقتصادی تولیدکننده کالا یا خدمات و کسب سود اعمال می‌شود، ارزیابی کنیم. همان‌طور که گفته شد در ظاهر، اندازه‌گیری بهره‌وری دارای چهارچوب معنایی ساده‌ای است. با این حال، در مورد آموزش عالی، ویژگی‌هایی وجود دارد که دال بر

۱. Outcomes

۲. دانشگاه‌ها حداکثرکننده سود اقتصادی (Economic profit) نیستند، بلکه حداکثرکننده نفع اجتماعی (Social benefit) هستند.

وجود پیچیدگی‌های مفهومی بهره‌وری آموزش عالی است. اگر این پیچیدگی‌ها را دسته‌بندی کنیم، می‌توان گفت برای اندازه‌گیری بهره‌وری با سه دسته محدودیت در حوزه‌های خروجی، تنوع و کیفیت مواجهیم:

(الف) خروجی: در دانشگاه، انتخاب برون‌دادها مرتبط با تدریس، تحقیق و خدمات لزوماً واضح نیست و تنها تعداد کمی از این انتخاب‌ها دارای برون‌دادهای واضح برای وزن‌دهی هستند. می‌توان گفت مؤسسات آموزش عالی شرکت‌های چند محصولی هستند (یعنی انواع مختلفی از خدمات را تولید می‌کنند) و این تولیدات همگن نیستند؛

(ب) تنوع: مؤسسات آموزش عالی طیف وسیعی از خروجی‌ها را تولید می‌کنند که بسیاری از آن‌ها مشمول یارانه هستند، هزینه‌ای جداگانه ندارند و در بازارهای رقابتی قیمت‌گذاری نمی‌شوند. همچنین آموزش عالی متغیرهای غیر بازاری (مثل وجود آثار خارجی یا اثرات سرریز) را هم شامل می‌شود؛

(پ) کیفیت: کیفیت ورودی‌ها و خروجی‌ها در طول زمان، در بین مؤسسات و بخش‌های مختلف آن‌ها بسیار متفاوت است. سنجش این تغییرات امکان‌پذیر نیست و به‌نوعی آموزش عالی درگیر تنوع کیفیت است.

نکته مهم و اساسی دیگر در مطالعه بهره‌وری، تعیین هدف یا اهداف مؤسسه آموزشی یا پژوهشی است، چراکه بهره‌وری با توجه به اهداف مختلف ممکن است اشکال و چهارچوب مفهومی متفاوتی به خود بگیرد. آموزش عالی با اهداف متعدد و گاه متضاد روبه‌رو است. مثلاً بحث عدالت (دسترسی به آموزش عالی) و شایستگی علمی دانشجویان در اغلب موارد هم‌راستا نیستند یا کارایی (گرایش به کاهش هزینه‌ها) و کیفیت (گرایش به افزایش هزینه‌ها) که ممکن است جزو اهداف مؤسسه آموزش عالی باشند، اما این اهداف در تضاد با هم هستند و تحقق هم‌زمان آن‌ها مشکل است. همچنین، هنگامی که بحث از بهره‌وری است بایستی سطح موردنظر بهره‌وری را مشخص کنیم. مثلاً آیا می‌خواهیم بهره‌وری را در سطح فردی (اعضای هیئت علمی یا کارکنان مؤسسه آموزشی یا پژوهشی) یا در سطح گروه علمی یا در سطح رشته یا در سطح دانشکده یا در سطح دانشگاه بررسی کنیم.

نکته دیگر اینکه روش‌های اندازه‌گیری بهره‌وری آموزش عالی که فقط بر بررسی درون‌داد، مثلاً تعداد ثبت‌نام دانشجو (به‌عنوان ورودی) یا فقط بر بررسی برون‌داد، مثلاً تعداد اعطای مدرک تحصیلی (به‌عنوان خروجی) متمرکز است، نمی‌تواند تصویر واقعی بهره‌وری را نمایان کند. بلکه هر دو بخش ورودی و خروجی باید به‌طور هم‌زمان در نظر آورده شود. همچنین، تاکنون بهره‌وری آموزش عالی بیشتر بر محاسبه بهره‌وری تک عاملی^۱ تأکید داشته (مثلاً تعداد انتشارات به‌ازای یک هیئت علمی یا میزان تولید در ساعت یک نیروی کار)، درحالی‌که بهره‌وری چند عاملی^۲ (یعنی برون‌دادهای متناسب با کاربرد همه منابع)، برای محاسبه بهره‌وری، جامع‌تر است. به‌علاوه، بزرگ‌ترین مانع در اندازه‌گیری بهره‌وری آموزش عالی این است که برآورد دقیق برون‌دادها و تولیدات بخش آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی بسیار مشکل است. با تنوعی که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی در محصولات و تولیدات خود دارند، ازجمله: اعطای انواع مدرک تحصیلی رسمی (در مقاطع مختلف)، برگزاری دوره‌های آموزشی

۱. Single-factor productivity

۲. Multifactor productivity

کوتاه‌مدت، انجام انواع فعالیت‌های پژوهشی (از جمله ثبت اختراع)، ارائه خدمات پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی، ارائه خدمات عمومی و مشاوره به جامعه در سطح ملی و منطقه‌ای، رفع نیازهای اجتماع محلی، برگزاری جشنواره‌ها، انجام فعالیت‌های ورزشی، ارتباط با صنعت و ...، مسلماً طراحی مدل‌های حسابداری که ارزش اقتصادی کاملی از این خروجی‌ها را محاسبه نماید، بسیار دشوار است.

الف) بهره‌وری پژوهش

به‌طور معمول، در سطح دانشگاه، در مبحث بهره‌وری آموزش، نسبت به بهره‌وری پژوهش، پیشرفت‌های بیشتری در اندازه‌گیری ورودی‌ها و خروجی‌های آموزشی صورت گرفته است. این درحالی است که تحقیقات و سایر فعالیت‌های علمی و خلاقانه باید در یک حسابداری جامع بررسی شوند، چراکه این‌گونه فعالیت‌ها نیز بخش مهمی از محصولات تولیدشده توسط دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. از جمله دشواری‌های تحلیلی در چهارچوب تولید مشترک^۱، عبارت از چگونگی تفکیک هزینه‌های تولید در بخش تحقیقات، از هزینه‌های تولید مدرک تحصیلی^۲ و مقایسه ارزش نسبی^۳ محصولات پژوهشی و تولید مدرک تحصیلی (آموزش) است. دسته‌بندی انواع تحقیقات، چگونگی تخمین زمان اختصاص داده‌شده هیئت علمی و سایر کارکنان دانشگاه به هر کدام از فعالیت‌های پژوهشی یا آموزشی و برآورد تأثیر متقابل پژوهش و تحصیلات تکمیلی (آموزش)، از دیگر مسائل اندازه‌گیری بهره‌وری آموزش عالی است. این درحالی است که ارتباط بین تولیدات تحقیقاتی و تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها غیرقابل انکار است و از این لحاظ، نقش اساسی دانشگاه‌ها در سیستم ملی تحقیق و توسعه کشورها مورد تأکید بوده است.

ب) ارتباط کیفیت و بهره‌وری آموزش عالی

یکی از کارکردهای مؤسسات آموزش عالی، تولید معرفت^۴ (اعم از پژوهش^۵ و دانش^۶) است. اما اینکه تا چه حد برون‌دادهای پژوهشی و دانشی مؤسسات آموزش عالی کیفیت لازم را برای ایجاد و تولید معرفت قابل قبول داشته باشند، در محاسبات بهره‌وری، کمتر مورد تأکید قرار گرفته است. در این‌گونه سازمان‌ها، معمول این است که بهره‌وری تحقیق فقط براساس تعداد انتشارات به‌ازای هر محقق و بدون توجه به میزان ارجاع‌دهی انتشارات و تأثیر آن‌ها بررسی می‌شود. احتمال دارد مؤسسه آموزش عالی‌ای در حال افزایش مداوم هزینه‌های خود باشد، بدون اینکه کیفیت برون‌دادهایش در کوتاه مدت افزایش یابد. اما ممکن است این سرمایه‌گذاری در میان مدت یا بلند مدت جواب دهد. درحالی‌که شرکتی خصوصی در بازاری رقابتی نمی‌تواند در این شرایط زنده بماند. شاید کمبود نسبی رقابت، دانشگاه‌ها را از فشارهای بهبود بهره‌وری محافظت کرده است. درمجموع، بحث کیفیت موضوعی مغفول در بهره‌وری آموزش عالی

۱. Joint production

۲. Degree production costs

۳. Relative value

۴. Epistemic production

۵. Research

۶. Knowledge

است. به‌ویژه که بهره‌وری در بیشتر موارد مبتنی بر کمیات و شمارش تعداد و کاهش هزینه است. به‌علاوه، گرچه بهره‌وری باید همیشه بخش اصلی از مباحث پیرامون آموزش عالی باشد، به موازات آن، کیفیت نیز باید همیشه یک قسمت اصلی از مطالعات بهره‌وری قرار گیرد، حتی اگر نتوان به‌طور کامل، معیارهای قابل‌اجماع و مورد وثوق برای اندازه‌گیری کیفیت پیدا کرد. به‌طور مثال مؤسسه‌ای می‌تواند اندازه کلاس درس را افزایش دهد تا بازده اندازه‌گیری‌شده را افزایش دهد (برای افزایش دانشجویان آموزش داده‌شده در هر دانشکده در سال) یا می‌تواند از تعداد فزاینده‌ای از اعضای هیئت علمی کمکی ارزان‌تر (مثل پرداخت به ازای حق التدریس) برای ارائه خدمات آموزشی استفاده کند، اما این نمونه‌هایی از افزایش بهره‌وری احتمالاً هم در رتبه‌بندی کیفی و هم در ذهن دانشجویان به‌عنوان کاهش کیفیت درک می‌شوند.

در مورد نسبت کارایی و بهره‌وری باید گفت گرچه ستون اساسی بهره‌وری در ادبیات موجود بهره‌وری را مبحث کارایی تشکیل می‌دهد، در قلمرو آموزش عالی کارآمدی مهم است و نه کارایی. مبحث کارایی در دانشگاه‌ها موضوعی غیرمرتبط است. افزایش بهره‌وری در آموزشی عالی نمی‌تواند از منظر کاهش هزینه دنبال شود، زیرا افزایش کیفیت آموزش عالی دارای آثار مثبت بیشتری است و ارتقای کیفیت، نیازمند سرمایه‌گذاری برای تقویت بنیه مؤسسات آموزش عالی است. به‌جای کاهش هزینه بایستی مبحث توسعه پایدار (کاهش اتلاف منابع) آورده شود.

به نظر این جُستار، مدل پیشنهادی بهره‌وری در آموزش عالی شامل سه بخش است: الف) اثربخشی (عدالت و کیفیت)، ب) توسعه پایدار و ج) تعالی، که سه ستون بهره‌وری در آموزش عالی و دانشگاه را تشکیل می‌دهند و در کنار هم می‌توانند سیستم آموزشی دارای تأثیر قابل‌توجهی بر رشد و توسعه جوامع را ایجاد کنند (شکل ۱).



شکل ۱ - سه ستون اصلی بهره‌وری آموزش عالی و دانشگاه

ج) جمع‌بندی بهره‌وری در آموزش عالی

در سازمان تولیدی آموزش عالی یا دانشگاه، ذهن، ماده ورودی و ارتقای فکری، برون‌داد محسوب می‌شوند. هیچ سازمان تولیدکننده کالایی نیست که این‌گونه باشد. یعنی دانشگاه، یک انسان (یا ذهن دانشجو) تحویل می‌گیرد و یک انسان (ذهن متحول‌شده از طریق اندوختن علم و دانش) را تحویل می‌دهد. در مقایسه با سایر سازمان‌های تولیدی، مثلاً ایران خودرو، قطعات پژو ۲۰۶ را می‌گیرد و سپس پژوی ۲۰۶ آماده تحویل می‌دهد. ولی در دانشگاه ما انسان تحویل می‌گیریم و انسان تحویل می‌دهیم، یعنی در واقع فرایندهای آموزشی و پژوهشی بر روی ذهن انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و به همین خاطر است که به لحاظ اهمیت، تمام انواع تولیدات، کالاها و خدمات، یک طرف و نظام آموزشی که آموزش و پرورش هم جزء آن است طرف دیگر قرار می‌گیرد. بنابراین، مهم‌ترین درون‌داد و برون‌داد دانشگاه، انسان است و کار بر روی انسان انجام می‌شود. کار روی ذهن انسان، آموزش عالی را با سایر بخش‌ها (مثلاً بخش آموزش عالی نسبت به بخش کشاورزی) یا سازمان‌های دیگر (مثلاً دانشگاه نسبت به کارخانه تولید خودرو) متمایز می‌کند. به همین خاطر است که بهره‌وری در مؤسسات آموزش عالی پیچیده‌تر و دارای ابعاد متعددی است. بنابراین، با بکارگیری روش‌های صحیح بررسی بهره‌وری، اندازه بهره‌وری آموزش عالی بسیار بیشتر محاسبه می‌شود. به همین خاطر اگر بهره‌وری را ملاک اصلی تخصیص بودجه قرار دهیم بخش آموزش عالی استحقاق دریافت بودجه بیشتری را دارد. هم با ملاک شاخص توسعه انسانی و هم با شاخص‌های بهره‌وری گسترش‌یافته که فراتر از رویکردهای معمول اقتصادی و

مدیریتی هستند و در عین حال، قابلیت عملیاتی شدن دارند نتیجه می‌گیریم باید بودجه بیشتری به آموزش عالی اختصاص پیدا کند.

نتیجه‌گیری

بررسی و ارائه تعریف بهره‌وری آموزش عالی بسیار مهم است، زیرا بر سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و تخصیص منابع به بخش آموزش عالی تأثیر می‌گذارد. در این نوشتار تعریف بهره‌وری دانشگاه عبارت است از بیشترین تحقق اهداف و مأموریت‌های دانشگاه با بالاترین کیفیت و معقول‌ترین (و نه کم‌ترین) هزینه که شامل سه بُعد الف) اثربخشی، ب) توسعه پایدار و ج) تعالی است. نتیجه اینکه افزایش بهره‌وری در آموزشی عالی نمی‌تواند از منظر کاهش هزینه دنبال شود، زیرا افزایش کیفیت آموزش عالی دارای آثار مثبت متعددی است و ارتقای کیفیت، نیازمند سرمایه‌گذاری برای تقویت بنیه مؤسسات آموزش عالی است. به عبارت دیگر، کیفیت مقدم بر کارایی است. ضمن اینکه در آموزش عالی و دانشگاه، کارآمدی بایستی به جای کارایی مورد توجه قرار گیرد.

نکته دیگر اینکه به‌غیر از تولید مدرک تحصیلی و تربیت نیروی انسانی متخصص، حوزه آموزش عالی دارای بروندادهای تحقیقاتی نیز هست. برای محاسبه بهره‌وری کامل یک دانشگاه باید راهکاری برای تفکیک ارزش نسبی خروجی‌های پژوهشی یافت. با عدم محاسبه جداگانه بازدهی پژوهشی عملاً محاسبه بهره‌وری آموزش عالی تحت هر روشی ناقص و غیرقابل‌اتکا است.

به‌علاوه، توجه به بحث کیفیت در آموزش عالی باید پررنگ‌تر از کمیت باشد. زیرا این آموزش عالی با کیفیت است که تأثیر قابل‌توجهی بر رشد و توسعه اقتصادی دارد. در عین حال، افزایش کیفیت در آموزش عالی نیازمند سرمایه‌گذاری و صرف هزینه در این بخش است. بنابراین، با توجه به لزوم افزایش بهره‌وری از طریق ارتقاء کیفیت در آموزش عالی، نباید به ارتقای بهره‌وری از منظر کاهش هزینه تمرکز شود.

همچنین، آموزش عالی دارای آثار خارجی^۱ مثبت متعددی است. از جمله: رعایت نسبتاً بیشتر قوانین و مقررات اجتماعی توسط فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، احترام به حقوق دیگران، رعایت بهداشت، حضور فعالانه و آگاهانه در کنش‌های سیاسی (مثل رأی دادن)، رفع اختلافات از طریق گفت‌وگو، دارا بودن ذهنیت دموکراتیک، دقت بیشتر در تربیت فرزند و ... که این موارد نیز باید در مبحث بهره‌وری آموزش عالی لحاظ شود. از این‌روی، با دیده شدن این مباحث، بهره‌وری آموزش عالی بیش از چیزی است که معمولاً گفته و یا برآورد می‌شود. در نتیجه آموزش عالی بایستی بابت این نوع خدمات مثبت اجتماعی نیز بودجه دریافت کند.

در نهایت، استفاده از مدل‌های مرسوم و معمول محاسبه بهره‌وری برای آموزش عالی، مناسب نیست و به بهره‌وری ناقص منجر می‌شود و این به دلیل پیچیدگی‌های آموزش عالی در حوزه انتخاب خروجی، تنوع محصولات همراه با عدم امکان قیمت‌گذاری در بازار رقابتی و اهمیت کیفیت در این بخش است.



نشست « نقدی بر رویکردهای اقتصادی و مدیریتی اندازه گیری بهره وری در آموزش عالی »
۱۰ بهمن ماه ۱۴۰۲ - پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس